

## امداد فرهنگی؛ الگویی برای مواجهه با آسیب‌های اجتماعی

مهدي مولايي آراني<sup>۱</sup> سیدمحمد کاظمی قهفرخی<sup>۲</sup>

### چکیده

آسیب‌های اجتماعی از جمله مسائلی است که اگرچه مولود دوران جدید نمی‌باشد اما شرایط دوران مدرن سبب گسترش این آسیب‌ها گردیده است. افزون بر شرایط دوران جدید، فاصله گرفتن از ظرفیت‌ها و اقدامات سنتی و بومی متناسب با اقتضائات هر منطقه، سبب پیچیده‌تر شدن آسیب‌های اجتماعی در سالیان اخیر شده است. این مقاله در پی آن است که با تکیه بر سنت ایرانی اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و زیرساخت‌های فرهنگی و دینی، مفهوم «امداد فرهنگی» را به‌عنوان یکی از راهکارهای مواجهه به‌منظور پیشگیری و جلوگیری از گسترش آسیب‌های اجتماعی ارائه کند. بر این اساس در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه در مقام گردآوری داده و روش تحلیل مضمون در مقام تحلیل داده‌ها، تلاش شده است مفهوم «امداد فرهنگی» تبیین شود. به‌منظور تبیین این مفهوم، ابتدا انواع ترکیب‌های صفت و موصوفی و هویت فعل و فاعلی مورد بحث قرار گرفته و در ادامه، چهار مؤلفه «هویت»، «دین‌داری و معنویت»، «هم‌زیستی» و «سازماندهی و شبکه‌سازی» به‌عنوان ابعاد اصلی این مفهوم ارائه شده و نقاط تمایز آن با مفاهیم مشابه مانند مددکاری اجتماعی مورد اشاره قرار گرفته است.

### ■ واژگان کلیدی

امداد فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی، مددکاری اجتماعی، هویت، معنویت و اخلاق.

۱. عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، movlaeiarani@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، kazemigh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴

## ۱. مقدمه

شیوع و گسترش مسائل و آسیب‌های اجتماعی سبب شده است مدیریت و کنترل این آسیب‌ها در عالی‌ترین سطوح مدیریتی کشور به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. برخی بر این باورند توجه کم و در برخی مواقع نامناسب به آسیب‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور موجب شده تا کشور نتواند در این زمینه اقدام مؤثری انجام دهد (سام‌آرام و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

این مقاله در پی ریشه‌یابی علل و عوامل رشد آسیب‌ها نیست و می‌کوشد به وضعیت فعلی و آینده کنترل و مدیریت این آسیب‌ها توجه کند. اکنون که برنامه‌ریزی گسترده برای مدیریت و کنترل آسیب‌ها طراحی و اجرا می‌شود، لازم است به دو مؤلفه زیر توجه بیشتری شود:

۱. تجربه وقایع و حوادث چند سال اخیر در کشور مانند سیل فروردین ۹۸، سیل سیستان، زلزله سرپل‌ذهاب و ویروس کرونا نشان می‌دهد دستگاه‌های رسمی و دولتی بدون کمک و همراهی نهادهای مردمی نمی‌توانند بحران و آسیب‌های ناشی از آن را مدیریت کنند؛

۲. فرهنگ ایرانی - اسلامی و اقتضائات بومی هرکدام از مناطق و موقعیت‌های جغرافیایی، مؤلفه‌ای اصلی در طراحی برنامه‌های مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است. بر این اساس و با توجه به تجربه تاریخی ایران، «امداد فرهنگی» مفهومی است که می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت ویژه در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. این مفهوم از یک‌سو خود را در ادامه تجربه تاریخی روحیه نوع‌دوستی و دستگیری ایرانیان و حس وظیفه مشارکت جمعی آنان در حل مشکلات و آسیب‌ها تعریف می‌کند و از سوی دیگر این مفهوم ناظر به باورهای اعتقادی و دینی مردم ایران در دستگیری از نیازمندان و آسیب‌دیدگان است. امداد فرهنگی، خود را بر مبنای نیروها و عاملان فرهنگی تعریف کرده است که با دغدغه‌مندی و باور دینی وارد این عرصه شده‌اند. در ایران، ظرفیت این نیروی انسانی بسیار ویژه و کم‌نظیر است.

بر این اساس دغدغه این مقاله، تعریف مفهوم «امداد فرهنگی» به صورت مشخص و ترسیم ابعاد آن است. تعریف این مفهوم و ترسیم ابعادش از یک‌سو تمایز این مفهوم را با سایر مفاهیم مشابه مانند مددکاری اجتماعی روشن خواهد کرد و از سوی دیگر دایره کنشگران ذیل این مفهوم مشخص خواهد شد. بدین منظور ابتدا مروری بر تاریخچه

مددکاری و امداد فرهنگی می‌شود و در ادامه تعریف واژگانی و ابعاد امداد فرهنگی ارائه خواهد شد.

## ۲. تاریخچه

یاری رساندن و دستگیری مفاهیمی‌اند که قدمتی به درازای تاریخ دارند؛ اگرچه خوانش علمی آنها و طراحی رشته‌های علمی همچون مددکاری اجتماعی در محیط‌های آکادمیک مربوط به صدسال اخیر می‌باشد،<sup>۱</sup> اما در تجربه بشر این مفاهیم همواره وجود داشته است (موسوی‌چلک، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۶).<sup>۲</sup> این امر در پیروان ادیان مختلف نیز به شدت مورد توجه بوده است (خاکساری، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۴).<sup>۳</sup>

در آیین اسلام، ارائه خدمات اجتماعی و انسانی به هم‌نوعان از مرز نصیحت به نیکوکاری و دعوت به یاری رساندن فراتر رفته و در چارچوب قوانین مشخص و تکالیف شرعی مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، هر مسلمان ناگزیر از ادای دین و تأدیه حقوقی نظیر خمس و

۱. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۸۹۹ میلادی، اولین مدرسه خدمات اجتماعی در هلند و در سال ۱۹۰۴ میلادی مدارس مددکاری در آلمان، سوئیس، بریتانیا و آمریکا شروع به فعالیت کردند و در حال حاضر آموزش مددکاری در سطح دانشگاه‌های کشورهای مختلف و بین‌المللی به‌نحو وسیعی جریان دارد (خاکساری، ۱۳۷۲: ۴۶-۴۷).

۲. به‌عنوان نمونه، در تمدن‌های باستانی مانند روم قدیم نوعی بیمه‌های تعاونی برای حفظ خانواده و بازماندگان نظامیان وجود داشته و در تمدن‌های بابل و سومر نیز در خصوص حمایت از زنان سرپرست خانوار و کودکان قوانینی وجود داشته است. حمورابی، حکمران بابل، حدود دوهزار سال پیش از میلاد مراقبت از زنان بیوه و کودکان یتیم را برعهده داشته و دفاع از حقوق افراد ضعیف و بی‌پناه، قسمتی از قوانین او بوده است (موسوی‌چلک، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۶).

۳. یهودیان از قرن هشتم پیش از میلاد با برقراری تعهداتی در بین اعضای جامعه خود به کارهایی می‌پرداختند که علاوه بر ایجاد پیوند در بین مردم، به یاری و دستگیری درماندگان و گرفتاران منجر می‌شد؛ مثلاً بازخرید کسانی که به سبب بدهکاری به بردگی گرفتار شده‌اند، یا در امور قاتلان و انتقام‌خواهان برای جلوگیری از قصاص خون دخالت می‌کردند و همچنین حکام یهود، خود را ملزم می‌کردند برای تعدیل وضع تهیدستان تدابیری اندیشه کنند و به موجب قانونی، زمان بردگی ناشی از عدم قدرت پرداخت وام را به شش سال محدود ساختند. در مذهب مسیحیت نیز زندگی در دیرها، تابع قواعدی می‌باشد که ظاهراً هنوز نزد مسیحیان ارتدوکس مورد قبول است و بر اساس آن علاوه بر تحریم شرب خمر و قرائت کتب غیردینی می‌بایست ساکنین دیرها اوقات خود را صرف خدمات اجتماعی و دستگیری از فقرا، مستمندان و ایتام نمایند (خاکساری، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۴).

زکات است. دو نمونه سازمان‌یافته از خدمات اجتماعی در اسلام، احکام حسبه<sup>۱</sup> و وقف است (خاکساری، ۱۳۷۲: ۱۴-۲۲). بررسی تاریخی در این زمینه، نشان می‌دهد مددکاری، تعاون و یاریگری بابرنامه و سازمان‌یافته در تاریخ اسلام وجود داشته است اما سوگمندان، بسیاری از افراد که اطلاع دقیقی از گذشته دینی، ملی و فرهنگی خود ندارند، تصور می‌کنند مددکاری و تعاون بابرنامه و سازمان‌یافته، ارمغان غرب است. وقف از شاهکارهای تعاون برنامه‌ریزی‌شده اجتماعی اسلام است که در کمتر تمدنی، تا عصر حاضر نظیرش را بدین وسعت می‌توان یافت. بررسی تاریخی نیز نشان از توجه ایرانیان به این موضوع دارد. به‌عنوان نمونه، وقف‌نامه سیدرکن‌الدین که سال ۱۳۲۶ در روستای عزآباد یزد کشف شده<sup>۲</sup> را می‌توان گفت؛ «شرح وظایف، چگونگی رسیدگی و کمک‌های اساسی و جزء جزء امور بیماران و سایر مستمندان را در این وقف‌نامه آمده است». (قندی، ۱۳۷۹: ۹-۱۱).<sup>۳</sup>

۱. برای نمونه به بعضی احکام حسبه اشاره می‌شود مثلاً در باب نظارت بر نانواپان آمده است: «هرگز خمیرگیر به وسیله پاهای، زانوان و آرنج‌های خود خمیر را به‌عمل نیاورد، چه این کار، خوارگرفتن طعام است و نیز به هنگام خمیر گرفتن جامه‌ای با آستین‌های تنگ پوشد و دهان‌بند داشته باشد؛ زیرا چه‌بسا به هنگام عطسه یا سخن گفتن، از آب دهان و یا بینی او در خمیر می‌افتد و بر گریبانستاری سفید ببندد تا از قطرات عرق مانع باشد و نیز موهای ذراعین (از سر انگشتان تا آرنج) را بسترد تا در خمیر نیفتد. محتسب باید نانواپان را از پختن نان، پیش از عمل آمدن خمیر بازدارد؛ زیرا نان فطیر در ترازو سنگین و برای معده ثقیل است...»  
درباره نظارت یا حسبه بر مریبان کودکان بیان شده است: «محتسب باید جاهایی را در اطراف بازار برای آموختن خط تعیین کند و معلمی را بگمارد که از اهل صلاح، پاکدامن، امین و حافظ کتاب خدا و خوش‌خط و آشنا به علم حساب باشد و بهتر آن است که ازدواج کرده باشد... پاکیزه اخلاق و شایسته تدریس باشد. مربی را شایسته است که به بچه‌ها مهربانی کند و نخست حروف و نوشتن آنها را به تدریج یاد دهد و پس از آشنایی کامل ایشان به حروف، سوره‌های کوچک قرآن را بیاموزد. سپس عقاید دینی و پس از آن، اصول حساب و نامه‌نگاری را یاد دهد و آنان را موظف بدارد که به هنگام بیکاری به فراگرفتن خوش‌نویسی، طبق سرمشقی بپردازند؛ زیرا به هفت‌سالگی برسد او را به نماز خواندن به‌طور جماعت مکلف کند و نیز فرمان دهد که به پدر و مادر خود نیکی کند...» (قندی، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۸).

۲. این وقف‌نامه در سال ۱۳۴۱، در ۲۰۹ صفحه در تهران به‌نام «جامع‌الخیرات» منتشر شد.

۳. در یک مورد شرح می‌دهد اگر کوزه آب «کودکان سقا» که در رهگذرها آب می‌فروخته و یا برای مردم به منازل آنان می‌برده و دستمزد می‌گرفته‌اند، بشکنند، از وجه خاصی باید برای آنان کوزه تهیه کنند تا کودکان بینوا، بر اثر تهیدستی، دست از کوشش برندارند و به گدایی و ولگردی روی نیاورند» (قندی، ۱۳۷۹: ۸۶).

از دیگر نمونه‌های تاریخ ایران، حاج‌شیخ‌غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) است. «در ایام جنگ جهانی دوم که قحطی

در کنار اقدامات و فعالیت‌های مردمی، در بخش رسمی و سازمانی نیز برخی از مهم‌ترین اقدامات در تاریخ معاصر ایران به شرح ذیل بوده است: (زاهدی اصل، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۵)

- تأسیس نخستین پرورشگاه برای نگهداری از اطفال سرراهی و بی‌سرپرست در سال ۱۲۹۴؛<sup>۱</sup>
- تأسیس جمعیت شیر و خورشید در سال ۱۲۹۶؛
- تأسیس آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی تهران در سال ۱۳۳۷ به منظور تأمین نیروی انسانی؛

- اختصاص یک بخش مستقل به رفاه اجتماعی در برنامه عمرانی چهارم کشور<sup>۲</sup> با برنامه‌هایی مانند تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، پایه‌گذاری خدمات مددکاری و مشاوره در مدارس، ایجاد مراکز مختلف توان‌بخشی، آموزشگاه نابینایان و ناشنوایان، اردوگاه‌های کار و...؛

- تأسیس وزارت رفاه اجتماعی در دومین سال برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۳).<sup>۳</sup>

بعد از انقلاب اسلامی و با توجه به ضرورت‌های موجود، دستگاه‌ها و سازمان‌های جدید مانند کمیته امداد امام خمینی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی، بنیاد پانزده خرداد، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی تشکیل شدند. مؤسسات عام‌المنفعه و سازمان‌های خصوصی خیریه نیز به فعالیت‌های خود ادامه دادند و برخی از

همه جا را فراگرفته بود، فقیه خراسانی برای کاستن از درد و رنج مردم، خانه‌اش را فروخت و برای مردم بی‌بضاعت و بیچاره، آذوقه تهیه کرد». در نقلی دیگر هم، یعقوب کلیمی می‌گوید: «در زمان جنگ جهانی دوم ما کلیمی‌های یزد، خیلی برای تهیه نان اذیت می‌شدیم. نان کم بود و به‌ندرت به ما نان می‌رسید. مرحوم حاج‌شیخ‌غلامرضا با همکاری فرزندشان آرد تهیه کرد و در نیمه‌های شب آردها را در کیسه‌های پنج، شش کیلویی جلو در منازل یهودیان می‌گذاشت و در می‌زد که بردارید و می‌رفت» (کاظمینی، ۱۳۹۲، ۱۱۸-۱۱۹).

۱. این پرورشگاه بعد از پیشنهاد نمایندگان تجار تهران و تصویب مجلس در سال ۱۲۹۴ش در تهران تأسیس و به تدریج به سازمان خدمات اجتماعی با عنوان «سازمان تربیتی شهر تهران» تبدیل شد.

۲. منظور برنامه‌های عمرانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است. پس از برون‌رفت متفقین از ایران و برطرف شدن برخی عواقب دردناک اشغال، از سال ۱۳۲۷ برنامه‌های پنج‌گانه عمرانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به مورد اجرا درآمد و برای برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای آنها، سازمان برنامه و بودجه کشور تأسیس گردید. برنامه چهارم توسعه اقتصادی مربوط به سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۱ شمسی است (ایزدی، ۱۳۹۴: ۲).

۳. البته تأسیس این وزارتخانه بیش از دو سال دوام نیاورد و در سال ۱۳۵۵ منحل و وظایفش به وزارت بهداشت محول شد.

آنها نظیر صندوق‌های قرض‌الحسنه توسعه یافتند. همچنین با ادغام مراکزی همچون انجمن ملی حمایت از کودکان، سازمان ملی رفاه نابینایان و ناشنوایان، سازمان ملی رفاه خانواده، انجمن توان‌بخشی ایران، سازمان بهزیستی کودکان و نوجوانان، سازمان تربیتی شهر تهران، خانه‌های فرهنگ روستایی، مدیریت امور مهدهای کودک سازمان‌های دولتی، برنامه حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست، مراکز رفاه سازمان زنان ایران و معاونت امور بهزیستی وزارت بهداری، «سازمان بهزیستی کشور» ایجاد شد (موسوی چلک، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۷).

### ۳. روش تحقیق

روشن است که هر پژوهشی، از روش یا روش‌های مشخصی استفاده کرده و بر اساس آن به شناخت و گردآوری منابع و سپس تحلیل، نقد و فهم موضوع مورد مطالعه می‌پردازد. این تحقیق در مقام گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده است. همچنین با ۳۷ نفر از فعالان و امدادگران فرهنگی و مسئولان مربوطه در شهرهای قم و اهواز مصاحبه‌های عمیق و با بیش از ۳۰ نفر از طلاب فعال در حادثه سیل پلدختر و اهواز در سال ۱۳۹۸ و همچنین طلاب فعال در میدان کرونا در اسفند ۱۳۹۸ و فروردین ۱۳۹۹ مصاحبه شده است. برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده شد و مفاهیم استخراج‌شده در ذیل چهار مضمون اصلی (ابعاد امداد فرهنگی) طبقه‌بندی شد. برای ارزیابی و اعتبارسنجی نتایج و تحلیل‌های انجام‌شده، استفاده از نظرات خبرگان در دستور کار قرار گرفت. بر این اساس پس از انجام تحلیل و تبیین مفهوم امداد فرهنگی، مقاله برای تعدادی از خبرگان (برخی از اعضای هیئت علمی عضو گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگی اسلامی، میز مسائل اجتماعی ایران و اسلام و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی) ارسال گردید و همچنین در جلسات گروهی با حضور ۶ نفر از استادان به مباحثه و نقد گذاشته شد و متناسب با نظرات و نقدهای دریافتی، اصلاحات لازم اعمال گردید.

۱۴۸

### ۴. چیستی امداد فرهنگی

«امداد فرهنگی» یکی از ظرفیت‌هایی است که با توجه به صبغه تاریخی و باورهای اعتقادی مردم و وجود نیازهای واقعی در کشور، می‌تواند مورد توجه قرار گرفته و به‌صورت

هدفمند گسترش یابد. در این مقاله از دو روش برای تعریف امداد فرهنگی استفاده شده است: ۱. تعریف واژگان امداد فرهنگی و ۲. تعریف ابعاد امداد فرهنگی.

#### ۴-۱. تعریف واژگانی

در این بخش ابتدا واژگان «امداد» و «فرهنگ» تعریف شده و سپس به بررسی انواع تعاریف از ترکیب «امداد فرهنگی» پرداخته می‌شود.

##### ۴-۱-۱. امداد

واژه امداد در فرهنگ فارسی به معنای «یاری کردن و یاری دادن» است و پست امدادی به معنای پاسگاهی است که برای کمک در مواقع ضروری ساخته شود (ر.ک: معین: ۱۳۷۶). دو دلیل برای انتخاب واژه «امداد» وجود دارد:

۱. امداد به معنای «یاری‌رسانی عمومی» است و اختصاص به طبقه یا قشر خاصی ندارد و لزوماً برخاسته از حرفه خاصی نمی‌باشد. به همین دلیل از واژگان مشابهی مانند «مددکاری اجتماعی» استفاده نشده است؛ چراکه مددکاری اجتماعی یک «حرفه» با نظام آموزشی خاص می‌باشد در حالی که امداد، عام‌تر و ناظر به سطح عمومی است.<sup>۱</sup>

۲. امداد ناظر به کمک و یاری رساندن در مواقع ضروری است. به‌عنوان نمونه، پیشگیری از وقوع یک بحران فکری در یک فرد یا گروه می‌تواند یک فعالیت امدادی باشد و عملیات آتش‌نشانی در حین وقوع یک آتش‌سوزی نیز یک عملیات امدادی است.

##### ۴-۱-۲. فرهنگ

برای واژه «فرهنگ» تعاریف بسیار زیادی ارائه شده است. از یک‌سو، فرهنگ را توسعه

۱. درباره اینکه «مددکاری اجتماعی» حرفه است یا خیر، نظرات مختلفی وجود دارد؛ گروهی بر این باورند که کاری، حرفه‌ای تلقی می‌شود که ویژگی‌هایی همچون «مهارت‌های تخصصی بر اساس یک قالب مشخص دانش نظری، داشتن یک نهاد سازمانی مستقل از کارکنان، داشتن یک نهاد مسئول در زمینه فراهم کردن امکان آموزش‌های مرتبط با این حرفه و نظارت بر ورود به این حرفه، برگزاری امتحان‌های ورودی و نیز سنجش صلاحیت کارکنان در حین خدمت، موازین و مقررات مختص به خود، اصول اخلاق حرفه‌ای که پیش از هر چیز، تضمین‌کننده منافع مشتری باشد» را داراست و از این جهت، مددکاری اجتماعی یک شبه‌حرفه است نه حرفه. گروهی دیگر نیز بر این باورند، مددکاری اجتماعی ویژگی‌های اصلی یک حرفه «یده‌آل» را ندارد و حتی برخی بر این باورند مددکاری اجتماعی اصلاً نباید خود را درگیر رسیدن به وجهه حرفه‌ای کند (دیکنر، ۱۳۹۴، ۲۰۹-۲۱۳).

هنر و فعالیت تفننی در مقولات زیبایی‌شناختی، محصولات و خدماتی می‌دانند (رک: اشتریان، ۱۳۹۱) و از سوی دیگر، فرهنگ «نظام‌واره‌ای از عقاید و باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات است که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲: ۱۶).

#### ۲-۱-۴. ترکیب امداد فرهنگی

ترکیب واژگان امداد فرهنگی را از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد: ۱. رابطه صفت و موصوفی میان «امداد» و «فرهنگ» و ۲. هویت فعل و فاعل «امداد فرهنگی». ۱. رابطه صفت و موصوفی: اگر ترکیب «امداد فرهنگی» را در قالب صفت و موصوف در نظر بگیریم، دو برداشت می‌توان از این ترکیب داشت؛ یکی آنکه صفت فرهنگی به‌عنوان ابزار و طریق امداد مدنظر باشد و دیگری آنکه صفت فرهنگی به‌عنوان غایت و هدف امداد مطرح شود.

– فرهنگی بودن ابزارها و راهکارهای امداد‌رسانی: در این معنا، متناسب با فرهنگ به معنای محصولات و خدمات فرهنگی هنری، صفت «فرهنگی» ناظر به طریق و ابزارهای امداد‌رسانی است. یعنی تمرکز امدادگران بر مدهایی است که از لحاظ قالب و محتوا به شکل فرهنگی همچون آموزشی، تولیدات هنری، محصولات رسانه‌ای و سایر موارد انجام می‌گیرد.

– فرهنگی بودن هدف امداد: در این نگاه، متناسب با فرهنگ به معنای «نظام‌واره‌ای از اعتقادات و ارزش‌های فرد و جامعه»، صفت فرهنگی ناظر به هدف و غایت امدادگر است. در این نگاه، امدادگر می‌تواند با استفاده از ابزارهای دیگری مانند اصلاح قوانین، اعطای تسهیلات و خدمات اقتصادی، اهداف فرهنگی همچون حفظ و ارتقای سطح دین‌داری و معرفتی مخاطب را محقق سازد.

۲. هویت فعل و فاعل امداد فرهنگی: در حالت دوم، از رابطه صفت و موصوفی فراتر رفته و هویت فعل (اقدام) امداد فرهنگی و هویت فاعل (امدادگر فرهنگی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

– هویت فرهنگی «فعل امداد»: هویت فعل امداد فرهنگی بر اساس محیط، بستر و زمینه‌هایی که فعل امداد‌رسانی در آن رخ می‌دهد تعریف می‌شود. بر اساس این نگاه، امداد، ریشه‌های فرهنگی دارد؛ یعنی در جامعه بستری وجود دارد که از جنس فرهنگی‌اند و



امداد این امکان را ایجاد می‌کند تا از آن ظرفیت‌ها برای همیاری و کمک‌رسانی استفاده شود. به‌عنوان نمونه، یکی از انواع امداد فرهنگی، صدقه و کمک مادی مردم به یکدیگر است که بر اساس فرهنگ ایثار و همیاری موجود در فرهنگ ایرانی و اسلامی و نیز برآمده از نوع‌دوستی انسان‌هاست و توانسته از زمینه فرهنگی، سرمایه اقتصادی ایجاد کند. علاوه بر بستر و زمینه‌های محیطی، نوع تعریف ما از فرهنگ نیز در تعیین هویت فرهنگی فعل امداد مؤثر است. اگر تعریف ما از فرهنگ، به‌عنوان بخشی از زندگی و هم‌عرض با اقتصاد، سیاست و اجتماع باشد، طبعاً فعل و رفتاری، فرهنگی محسوب می‌شود که اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نباشد. اما اگر فرهنگی را به‌عنوان بافت زندگی انسان در نظر بگیریم، در این نگاه هویت فرهنگی به افعال امدادی الصاق خواهد شد و عنوان «پیوست فرهنگی» بیشتر مدنظر خواهد بود، مانند پیوست فرهنگی برای کمک‌های اقتصادی، پیوست فرهنگی برای کمک‌های عمرانی و... .

۱۵۱

**– هویت فرهنگی «فاعل امداد» (امدادگر فرهنگی):** هویت امدادگر فرهنگی و طبعاً توانمندی و ظرفیت‌های او نیز در انتخاب اهداف و راهکارهای امداد فرهنگی تأثیر خواهد داشت. پس رابطه میان هویت امدادگر فرهنگی با اهداف و ابزارهای امداد فرهنگی، رابطه‌ای دوطرفه است. منظور از هویت فرهنگی امدادگر فرهنگی، امدادگری است که «دین‌مدار، تربیت‌گرا و امیدآفرین»<sup>۱</sup> باشد. طبعاً هر فرد، گروه یا نهادی که با این هویت همخوان‌تر باشد، به «امدادگر فرهنگی» نزدیک‌تر خواهد بود.

## ۲-۴. ابعاد امداد فرهنگی

در کنار تعریف واژگان، شناخت ابعاد امداد فرهنگی، راهکاری دیگر برای شناخت بیشتر و جامع‌تر مفهوم «امداد فرهنگی» است. شناخت این ابعاد بر اساس مجموعه‌ای از مطالعات نظری در حوزه جامعه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و مددکاری اجتماعی و مجموعه‌ای از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با فعالان، کنشگران و امدادگران فرهنگی به‌دست آمده است. بر این اساس چهار مؤلفه «هویت، دین‌داری و معنویت، هم‌زیستی، سازماندهی و شبکه‌سازی» برای تعریف امداد فرهنگی ارائه می‌شود.

۱. علت بیان این سه مؤلفه در بخش‌های بعدی توضیح داده می‌شود.

#### ۱-۲-۴. هویت

یک اصل رایج در مددکاری اجتماعی این است که «اگر بخواهم به گونه‌ای مؤثرتر عمل نمایم، در ابتدا باید از خود شروع کنم». از این رو می‌توان گفت عامل اساسی در ارتقای پاسخگویی به نیازهای مددجو و واکنش به نیازهای محیطی، شخصیت مددکار است (موسوی چلک، ۱۳۹۵، ۵۴). برخی دیگر از منابع مددکاری اجتماعی، متغیر اصلی در فرایند مددکاری را «دانش و ارزش» مددکار اجتماعی دانسته‌اند (کامپتون، ۱۳۸۸، ۱۸۹-۱۹۰). اگر نگاه جامع‌تری به شخصیت و بنیاد ارزش‌ها و دانش‌های شخصیت مددکار داشته باشیم، می‌توانیم «هویت» امدادگر را به‌عنوان بخش اصلی و زیربنای شخصیت فرد در نظر بگیریم.

مطالعات نظری و بررسی‌های میدانی<sup>۱</sup> نشان می‌دهد هویت مشترک گروه‌های انسانی امدادگر فرهنگی بر سه مؤلفه اصلی استوار است:

۱. دین‌مدار: این ویژگی ناظر به چند عرصه است: اول اینکه گروه‌های امداد فرهنگی بر اساس یک باور و دغدغه دینی و مذهبی وارد عرصه یاری‌رسانی شده‌اند و هویت خود را یک هویت دینی و مذهبی می‌دهند؛ دوم اینکه امدادگر فرهنگی در مسیر فعالیت، هدف اصلی خود را ناظر به حفاظت و تعمیق باورهای دینی فرد آسیب‌دیده قرار داده است و به دنبال آن است که با استفاده از راهکارهای دینی و تجربی که با دین تعارض ندارد، از باورها و اعتقادات دینی مردم محافظت کند و آنها را به کنشگر فعال تبدیل کند. امدادگر فرهنگی معتقد است با تقویت باورهای اعتقادی و معنوی فرد، حتی در شرایط سخت از یک‌سو، میزان مقاومت فرد را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، این شرایط می‌تواند به‌عنوان بستر و زمینه‌ای برای رشد فرد و ورود او به عرصه و میدانی جدید مطرح شود. فعالیت در این زمینه نیازمند ایمان و صبر امدادگر فرهنگی است. در امداد فرهنگی تغییر نگرش و حتی جهان‌بینی به شکل اندیشه‌ای تنها، پاسخگو نیست بلکه رساندن آن به قلب فرد برای تحول در انگیزه‌ها و نوع منش منظور است. برای این منظور، امدادگر نیز نقش اساسی ایفا می‌کند؛ چراکه راهیابی به قلب مددجو نیازمند فیاضیت و محبت است، اولی هنگامی محقق می‌شود که امدادگر، اخلاص و عدم نفسانیات در خیرخواهی دارد و در دومی یعنی ایجاد محبت که در دست خداوند است، زمانی

۱. منظور مصاحبه با امدادگران فرهنگی است.

اتفاق می‌افتد که امدادگر فرهنگی عامل به معنویت و ایمان باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۹۷؛ مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۸؛ ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶).

۲. تربیت‌گرا: دومین ویژگی هویتی امدادگران فرهنگی آن است که فعالیت در این عرصه را در درجه اول «تربیت برای خود» می‌دانند و در درجه دوم می‌کوشند با رویکرد تربیتی با فرد آسیب‌دیده مواجه شوند. امدادگر فرهنگی بر این باور است که در درجه اول باید «خود» را تربیت کرد و در درجه دوم، امدادگر فرهنگی در مواجهه با فرد آسیب‌دیده به دنبال آموزش و نگاه از بالا به پایین نیست بلکه از منظر تربیتی در پی همراهی و حضور در کنار مددجو می‌باشد تا بتواند همراه با این حضور، مسیر اصلاح و رشد فرد آسیب‌دیده را ایجاد کند. کرامت نفسانی یکی از عوامل حرکت فرد برای تلاش و بهبودی وضعیت خویش است؛ چراکه هنگامی فرد ارزش خود را بیابد، می‌تواند در مسیر بهبودی وضعیت خود حرکت کند.

امام موسی صدر در این زمینه بیان می‌دارد:

راه تربیت انسان و ارتقای وی در همه ابعاد تکامل عبارت است از قراردادن انسان در مسیری که کرامت خویش را درک کند، و به همه شئون خویشتن خویش اهتمام شایسته ورزد. در غیر این صورت، چه بسا هرگز برای خود همتی نکند و برای اصلاح وضع خویش نکوشد (دیده‌خانی، ۱۳۹۷: ۸۳).

۳. امیدآفرین: گمشده اصلی بسیاری از افرادی که در موقعیت آسیب قرار گرفته‌اند، «امید» می‌باشد و ناامیدی دردی است که مانع از حرکت و تلاش برای اصلاح می‌شود. امدادگر فرهنگی در درجه اول باید در درون خود این بذر را نهادینه کند؛ «یکی از مایه‌های مهم امید عبارت است از توکل به خدای متعال»<sup>۱</sup> که سبب می‌شود امدادگر فرهنگی با امیدواری وارد فضای ناامیدی شود و به جای یأس‌پراکنی، امیدآفرینی صادق انجام دهد. امدادگر فرهنگی می‌کوشد نگاه انسان را از امور مادی و دنیوی فراتر ببرد و انسان و امور او را در گیرودار امر طبیعی صرف تعریف نکند. این موضوع نه تنها انسان را از تسلسل نیازهای

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2867>.

۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ۱۳۹۸/۷/۱۷.

مادی خارج می‌کند بلکه اغراض از این نیازها را فرامادی تعریف می‌نماید تا ضعف و شدت آنها باعث اندوه او نگردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۶۷-۱۷۱).

#### ۴-۲-۲. معنویت و اخلاق

دیکنز، ارتقای سطح بهزیستی و رفاه شخصی و اجتماعی افراد، خودشکوفایی و افزایش تعاملات اجتماعی آنان از طریق رفع نابرابری‌های اجتماعی را هدف مددکاری اجتماعی می‌داند. این اهداف در حوزه مددکاری، بسیار ارزشمند و تحقق آن کمک بسیار زیادی به رفع آسیب‌های اجتماعی خواهد کرد اما در امداد فرهنگی، سطح اهداف فراتر می‌رود و انتظار آن است که نظام باورها و ارزش‌های مددجو و نظام اخلاقی‌اش تعمیق یابد و در مسیر تعالی به‌عنوان یک کنشگر فعال و پیشرو قرار گیرد (دیکنز، ۱۳۹۴: ۱۱). به عبارت دیگر، «امداد فرهنگی» غایت خود را «نجات‌بخشی» فرد آسیب‌دیده نمی‌داند بلکه غایت خود را «حیات‌بخشی»<sup>۱</sup> می‌داند. در ادامه مروری بر جایگاه دین و معنویت در نظریات مددکاری می‌شود و سپس منظرهای مورد توجه دین و معنویت در امداد فرهنگی ارائه می‌شود.

۱۵۴

۱. گروه اول نظریاتی‌اند که معنویت را «ابژه» خود کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، نظریه مددکاری اجتماعی فرافردی بر این باور است مددکاران اجتماعی در دوران پسامدرن با مسائل فردی و اجتماعی که در بُعد معنوی ریشه دارند، دچار چالش می‌شوند. علایق اصلی این نظریه، جست‌وجو برای ارزش‌های متعالی و غایی، تجربه‌های عرفانی و آگاهی وحدت‌بخش و اعتبار بخشیدن به اقدامات و ملاحظات حرفه‌ای معنوی‌گراست (زاهدی اصل، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

۲. برخی از نظریات نیز معنویت و دین را از دایره توجه خود خارج کرده و توجه به آن را وابسته به درخواست مددجو یا تحقق برخی شرایط دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه، رویکرد راه‌حل محور، توجه به مسائل معنوی را وابسته به درخواست مراجعه‌کننده می‌داند (والش، ۱۳۹۳: ۳۲۰-۳۵۶).

در امداد فرهنگی از سه منظر، «دین و معنویت» مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱. به‌مثابه غایت: از این منظر، غایت و هدف امدادگر فرهنگی، حفظ و ارتقای باورهای دینی در شخص مددجوست. در اینجا هدف امدادگر این است که از طریق حل مسائل و

۱. مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده، ۳۲).

مشکلات مادی و تعارضات ذهنی فرد آسیب‌دیده، باورها و اعتقادات او را به دین و مذهب حفظ کرده و ارتقا بخشد. نظر امام موسی صدر این چنین است:

فعالیت‌های دینی، قبل از هر چیز، ارتقای زندگی اجتماعی مردم به‌طور عام و فرهنگ دینی مسلمین به‌طور خاص است. بر این باورم که تا وقتی زندگی اجتماعی مردم در این سطح است، وضع دینی آنان را نمی‌توان بهبود بخشید (دیده‌خانی، ۱۳۹۷: ۶۰).

۲. به‌مثابهٔ طریق: در این منظر، امدادگر فرهنگی، در کنار بهره‌گیری از ابزارها و راهکارهای موجود، از ارزش‌ها و باورهای مذهبی مانند توکل، توسل و دعا برای حل مشکلات و مسائل استفاده می‌کند. امدادگر فرهنگی امور مادی و معنوی را مکمل هم می‌داند. امام موسی صدر در این مورد بیان می‌دارد:

امروزه و در قرن بیستم، انسان بیش از هر زمانی نیازمند ایمان به غیب است و نه نیازمند محصولات مدرن متزلزل زمانه، تا قلب او اطمینان و اعصابش آرامش یابد و تمایل‌های نامحدود وی تأمین شود و نگرانی‌های فزاینده‌اش کاهش یابد (همان: ۶۵ - ۶۶).

ایشان در این مورد به این نکته اشاره می‌کند که تمایز بین امر معنوی و مادی اشتباهی است که نه تنها دقیق نیست بلکه اقناع‌کنندهٔ روح انسان هم نمی‌باشد:

سنت رایج مقتضی است که اشیا و همچنین، اعمال انسانی را به دو بخش مادی و معنوی تقسیم کنیم و بر طبق چنین تقسیمی، به‌طور کلی امور جهان دو سنخ خواهند بود: یکی امور مادی و اشتغال به این امور، از قبیل خوردن، آشامیدن، ازدواج، تجارت و امثال آنها؛ و دیگری امور معنوی که در مقابل امور مزبور قرار دارند، از قبیل نماز، عبادت، قربانی کردن، فداکاری، تفکر و ... . قسم نخست از امور زایل‌شدنی و مناسب جسم انسان، رغبات و امیال آنی وی است و قسم دوم پاسخگوی امیال و رغبات روح و قوام انسانی است که امیالی غیرمادی محسوب می‌شود. لکن حقیقت این است که این تقسیم نه دقیق است و نه با نظریات فلسفی و یا با تعالیم دینی مطابقت دارد و نه می‌تواند روح مؤمن را اقناع کند (همان: ۸۲).

۳. **به‌مثابه معیار:** بر این اساس امدادگر فرهنگی، خود را ملزم می‌داند راهکارهای پیشنهادی برای حل مشکلات آسیب‌دیدگان را بر اساس معیار ارزش‌ها و باورهای مذهبی بسنجد و در صورت عدم تعارض، از آنها استفاده کند. نگاه معیارمحور به‌خصوص به اصول اخلاقی بیشتر مورد توجه است. امدادگر فرهنگی در فعالیت خود می‌کوشد «کرامت» مددجو به‌عنوان یک اصل خدشه‌دار نشود. البته مبنای امدادگر در باور به اصول اخلاقی در شیوه عمل او اثرگذار خواهد بود. به‌عنوان نمونه، اگر از نگاه وظیفه‌گرا به اصل کرامت باور داشته باشد، کرامت را یک حق برای نوع انسانی می‌داند و تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند و نباید از آن چشم‌پوشی کند. رعایت کرامت در این نگاه یک الزام و واجب اخلاقی است. اما اگر از مبنای سودمندی به این اصل نگاه شود رعایت یا عدم رعایت کرامت وابسته به آن است که در آن شرایط چه منافع و ضررهایی برای مددجو در پی خواهد داشت (ر.ک: اسلامی، ۱۳۹۸).

#### ۳-۲-۴. هم‌زیستی

بررسی نظریه‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد توجه به محیط و ارزش‌های فرهنگی در بوم، از چند منظر مورد توجه بوده است؛ برخی نظریه‌ها بر تأثیر خرده‌فرهنگ‌ها در شکل‌گیری آسیب‌ها تمرکز کرده‌اند، گروهی دیگر فاصله میان ارزش‌های رسمی و غیررسمی در یک جامعه را عامل مؤثر در آسیب‌ها دانسته، گروهی دیگر آسیب‌های اجتماعی را برساخت اجتماع می‌دانند نه یک واقعیت عینی و گروهی دیگر نیز بر این باورند شیوه ساخت‌وساز و شکل‌گیری فیزیکی جامعه در شکل‌گیری آسیب‌ها مؤثر است. در ادامه مروری بر این نظریه‌ها می‌شود:

۱. **خرده‌فرهنگ‌ها:** از نظر کوهن گزینش خرده‌فرهنگ بزهکار توسط نوجوانان راه‌حلی گروهی برای کسب منزلت و موقعیت اجتماعی است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ سلیمی، ۱۳۸۰: ۲۷۴؛ احمدی، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۴). میلر نیز در نظریه علائق کانونی (فرهنگ طبقه پایین) بر فرهنگ و ارزش‌های حاکم در یک جامعه و گروه تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۶؛ سلیمی، ۱۳۸۰: ۴۵۵).

۲. **تغییر ارزش‌ها و قوانین رسمی:** گروهی دیگر از نظریه‌ها، فاصله میان ارزش‌های رسمی و ارزش‌های موجود را علت شکل‌گیری آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی می‌دانند. به‌عنوان نمونه، در نظریه سوءیک‌پارچگی، عدم تعادل زمانی در جامعه رخ می‌دهد که میان

اهداف نهادی شده<sup>۱</sup> و وسایل نهادی شده<sup>۲</sup> بر یکی بیشتر تمرکز شود و نتیجه آن شکل‌گیری چهار الگوی انحرافی نوآوری، مناسک‌گرایی، انزواطلبی و شورش است<sup>۳</sup> (رابینگتن، ۱۳۹۵: ۵۱-۵۲).

۳. **برساخت اجتماع:** دیدگاهی دیگر بر این باور است که مشکلات و آسیب‌های اجتماعی برساخت محیط و واکنش‌های اجتماعی می‌باشد. نظریه انگ‌زنی (برچسب‌زنی) نمونه‌ای از این‌گونه است. از منظر بیکر<sup>۴</sup> منحرف کسی است که برچسب انحرافی از سوی جامعه بر او زده‌اند و رفتار انحرافی، رفتاری است که مردم بر آن برچسب انحراف زده‌اند (زاهدی اصل، ۱۳۹۳: ۳۹).

۴. **ساختار فیزیکی محیط:** تمرکز برخی صاحب‌نظران مانند برگس در نظریه الگوی نوع آرمانی بر ساختار فیزیکی محیط است و بر این باورند شیوه توزیع فضاهای فیزیکی در یک بوم از علل اصلی شکل‌گیری آسیب‌هاست (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۷).

۱۵۷

اساساً از یک‌سو امداد فرهنگی، ورود تخصصی به مسائل و آسیب‌ها ندارد و از سوی دیگر، رویکرد مواجهه خود را «پیشگیرانه» تعریف می‌کند و مهم‌ترین عاملان خود را کنشگران بومی و منطقه‌ای می‌داند، بنابراین بر فرهنگ بومی به‌عنوان یکی از نقاط قوت عاملان و کنشگران خود تمرکز می‌کند. فرهنگ بومی و هم‌زیستی مردم با یکدیگر در یک محیط از سه ساحت مورد توجه امدادگر فرهنگی است:

**الف) هم‌زیستی اجتماعی به‌عنوان هدف:** یکی از اهداف میانی امدادگر فرهنگی، ارتقای سطح مناسبات و روابط انسان‌ها با یکدیگر در محیط اجتماعی است. در امداد فرهنگی، زندگی اجتماعی موضوعیت دارد و فرد امدادگر به دنبال آن نیست که صرفاً یک فرد را از

۱. تعاریف نهادی شده درباره ارزش‌ها و امور مطلوب.

۲. شیوه‌های استاندارد شده کنش برای رسیدن به اهداف و یا هنجارها و مقررات وضع شده برای رسیدن به اهداف.

۳. مرتن نیز در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، جامعه را یک کل پویای پیچیده می‌داند و بر این باور است که دال مرکزی در جامعه، قوانین و مقررات هستند. اگر جامعه دچار تغییرات شدید و سریع (فنی، تکنیکی، سیاسی، مهاجرت، صنعتی شدن و...) شود عدم تعادل زیاد شده، قانون و مقررات بی‌اعتبار می‌شوند و جامعه در وضعیت بی‌سازمانی یا بی‌هنجاری قرار می‌گیرد. بر اساس این نظریه، سه نوع عمده بی‌سازمانی اجتماعی عبارت است از: بی‌هنجاری، ستیز فرهنگی و اختلال (رابینگتن، ۱۳۹۵: ۵۱-۵۲).

4. Howard Becker.

یک آسیب فردی نجات دهد؛ دغدغه اصلی امدادگر فرهنگی در این مؤلفه، چگونگی استمرار و ثبات روابط اجتماعی افراد با یکدیگر است. امام موسی صدر در این مورد بیان می‌دارد:

ساده‌ترین شیوه برای تربیت، امر و نهی کردن مربی است. شیوه برتر آن است که مربی راه‌ها و ابزارهای متقاعدسازی را به‌کار بگیرد و بکوشد در عقل و دل فردی که در پی تربیت آن است، تأثیر بگذارد. اما شیوه سوم که مکاتب جدید اجتماعی به آن افتخار می‌کنند، توجه به محیط فرد یا گروه تربیت‌شونده است تا به فضایی برای هدف تربیتی تبدیل شود و جریانی در قبال آن شکل بگیرد که فعالیت تربیتی و متقاعدسازی را برای مربی آسان سازد (دیده‌خانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

ب) اصالت‌بخشی به فرهنگ بومی: امدادگر فرهنگی در پی آن است که توانمندی و هوشمندی فرهنگی و اجتماعی محیط را به حدی ارتقا بخشد که بتواند تا حد امکان مشکلات و آسیب‌های افراد و اعضای محیط را در درون خود حل کند. در این نگاه، جداسازی افراد از محیط زندگی، تنها در موارد خیلی نادر اتفاق می‌افتد و اقداماتی مانند زندان اصالت ندارد و بالضروره می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر در امداد فرهنگی، اصالت با فرهنگ بومی است و دانش آکادمیک باید خود را مطابق با مؤلفه‌های فرهنگ بومی منطبق کند. این مؤلفه در نظریه‌های مددکاری اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع در سنت و سیره دینی به‌خوبی دیده می‌شود جایی که امام علی علیه السلام به مالک‌اشتر چنین می‌فرمایند:

هرگز سنت‌های خوبی را که بزرگان این امت به آنها عمل کرده‌اند و مایه همبستگی و بهبود حال مردم بوده، مَشِکَن و هرگز سنتی را پایه مگذار که به آن سنت‌های پیشین آسیب رساند که سنت‌گذاران پاداش برند و تو با سنت‌شکنی‌ات وزر و بال بری.<sup>۱</sup>

ج) اصلاح فرهنگ بومی: اصالت فرهنگ بومی در امداد فرهنگی تا زمانی برقرار خواهد بود که این فرهنگ در تضاد با هویت «دین‌مدار، تربیت‌گرا و امیدآفرین» امدادگر فرهنگی نباشد.

۱. وَلَا تَنْفُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمَلٍ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ لِأُمَّةٍ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ وَلَا تُحَدِّثَنَّ سُنَّةَ تَضَرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ فَيَكُونَ الْأَجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا وَالْوِزْرُ عَلَيْكَ بِمَا نَقَضْتَ مِنْهَا (بهج/البلاغه، نامه ۵۳).



امدادگر فرهنگی فرهنگ بومی محیط را برای همسو شدن با این هویت، در یک فرایند تدریجی اصلاح می‌کند. اصلاح دفعی و یک‌باره فرهنگ محیطی، هم‌زیستی و تعاملات اجتماعی مردمی که سال‌ها با این فرهنگ خو گرفته‌اند را به هم می‌زند و زیست اجتماعی آنان را دچار مشکل خواهد کرد. در مورد تدریجی بودن اصلاح فرهنگ امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

نمی‌شود یک‌دفعه کارها درست بشود و هیچ خلاfi واقع نگردد، در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم خلاف واقع می‌شد. نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم درحالی که همه چیز سر جای خودش باشد.

(موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۲)

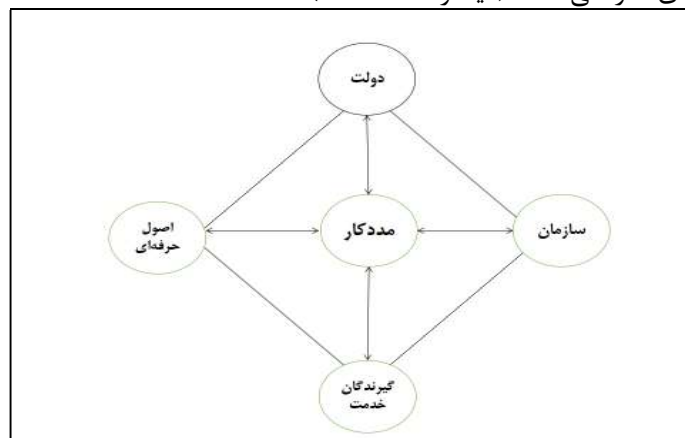
#### ۴-۲-۴. سازماندهی و شبکه‌سازی

عرضه خدمات اجتماعی در قالب مددکاری اجتماعی از روش‌های مختلفی انجام می‌شود. این روش‌ها در یک دسته‌بندی کلی به دو گروه روش‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند (موسوی چلک، ۱۳۹۵، ۶۶ - ۶۱)؛ برخی دیگر، کار مددکاری جامعه‌ای را به دو رویکرد توسعه جامعه و برنامه‌ریزی اجتماعی تقسیم‌بندی کرده‌اند (توتلوتریز، ۱۳۹۱: ۱۰ - ۹).<sup>۱</sup> این تعاریف و رویکردها نشان می‌دهد یک مددکار اجتماعی برای موفقیت در میدان فعالیت خود باید به قوانین و سیاست‌ها شناخت و آگاهی داشته باشد (دیکنز، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۸). برخی دیگر از نظریه‌های مددکاری، توجه خود را از قانون و مقررات فراتر برده و بر نقش سازمان‌ها در امر مدرسانی تمرکز کرده‌اند. دو نظریه ترمیمی و نهادی<sup>۲</sup> با موضوع چگونگی استفاده از ظرفیت سازمان‌ها ارائه شده است (زاهدی اصل، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

۱. در رویکرد توسعه جامعه، با شیوه کاملاً مبتنی بر جامعه، به صورت عینی بر مددکارانی تأکید دارند که به‌طور غیرمستقیم با مردم کار می‌کنند تا آنان برای مشارکت در ایجاد و اداره یک مهد کودک یا مبارزه برای خدمات بهتر، تصمیم‌گیری کنند. اما در روش برنامه‌ریزی اجتماعی، مددکاران با سیاست‌گذاران و ارائه‌کنندگان خدمات همکاری نزدیک و مستقیمی دارند تا آنها را به نیازهای جوامع خاص حساس کنند و برای اصلاح خدمات یا خط‌مشی‌های دقیق‌تر یاری دهند (توتلوتریز، ۱۳۹۱: ۹-۱۰).

۲. بر اساس نظریه ترمیمی، وجود سازمان‌ها و نهادهای خدمات اجتماعی فقط هنگامی ضرورت می‌یابد که فرد و خانواده از انجام تکالیف و وظایف خود بازمانند و چون کارها و امور اجتماعی بازمانده وظایف سازمان‌های اجتماعی است، به آن نظریه ترمیمی گفته می‌شود؛ اما در نظریه نهادی، خدمات مددکاری به‌عنوان نهادی مستقل عمل کرده و رأساً جای نهادهای دیگر را می‌گیرد. پیروان این نظریه بر این عقیده‌اند که شرایط فعلی جوامع انسانی و به‌ویژه هسته‌ای شدن خانواده‌ها، نهادی شدن خدمات مددکاری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (زاهدی اصل، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

دیکنز در مدل لوزی مددکاری اجتماعی، نقش دو عامل سازمان و دولت را به صورت مستقل مورد توجه قرار داده است. در این مدل، مددکار اجتماعی در مرکز یک لوزی واقع شده که دولت،<sup>۱</sup> دریافت کنندگان خدمات، معیارهای شغلی و حرفه‌ای و سازمان،<sup>۲</sup> چهار رأس آن هستند. وظیفه اصلی مددکار اجتماعی در اینجا، تنظیم روابط میان خواسته‌های دریافت کننده خدمات با اصول حرفه‌ای، قوانین و سیاست‌های دولت، قوانین و بوروکراسی‌های سازمانی است (دیکنز، ۱۳۹۴: ۳۴).



الگوی لوزی مددکاری اجتماعی (دیکنز، ۱۳۹۴: ۳۴)

اما مواجهه امدادگر فرهنگی با قوانین، ساختارها و نهادها و به عبارت دیگر، سازماندهی و شبکه‌سازی از چند منظر مورد توجه است:

۱. آشنایی با قوانین و نهادها در مقام ارجاع و پیشگیری: دو کارکرد اصلی امدادگر فرهنگی، پیشگیری از وقوع آسیب‌های اجتماعی و ارجاع آسیب‌دیدگان به افراد و نهادهای تخصصی است. ارجاع به مراکز و نهادهای تخصصی نیازمند شناخت نسبتاً جامع از ظرفیت نهادهای رسمی و غیررسمی همچون خیریه‌های یک منطقه، وظایف و خدمات نهادهای رسمی مانند کمیته امداد، سازمان بهزیستی و آگاهی نسبت به قوانین رسمی کشور در حوزه پیشگیری و کمک به آسیب‌دیدگان است. ارجاع به نهادهای تخصصی و مسئول از

۱. در اینجا، دولت عبارت است از: نقش‌های دولت و شوراهای شهر، سیاست‌ها و قوانین کشور، وضع مالیات و هزینه‌های دولتی، نقش‌های مجلس، دادگاه‌ها و سازمان‌های نظارتی.

۲. سازمان در اینجا شامل انواع سازمان‌های خیریه‌ای، اقتصادی، اداری و فرایندهای اداری و اجرایی درون آنهاست.

یک‌سو سبب خواهد شد مشکلات مددجو به‌صورت تخصصی و کارشناسانه مورد بررسی قرار گرفته و حل شود و از سوی دیگر مانع از انباشت فشارهای روانی و جسمی بر امدادگر فرهنگی خواهد شد.

در مقام پیشگیری نیز آگاهی به قوانین و سازمان‌ها در درجه اول از وقوع برخی مشکلات برای امدادگر فرهنگی پیشگیری می‌کند. برخی امدادگران فرهنگی بر اساس دلسوزی افراطی و بدون آگاهی، اقداماتی را انجام می‌دهند که مربوط به حوزه تخصصی برخی نهادها و سازمان‌هاست و انجام این‌گونه فعالیت‌ها بدون هماهنگی و کسب مجوز لازم ممکن است سبب ایجاد مشکلات حقوقی و قانونی برای فرد شود. افزون بر این، آگاهی بخشی به مردم و نسل نوجوان و جوان به حقوق و تکالیف خود در جامعه، می‌تواند از وقوع برخی آسیب‌ها و مسائل جلوگیری کند. امدادگر فرهنگی به دلیل آگاهی به اقتضات بومی و شرایط محیطی، بهتر می‌تواند این آگاهی بخشی را انجام دهد.

۱۶۱

۲. **تعامل با دولت اسلامی:** متناسب با نوع دولت، امدادگر فرهنگی وظیفه دارد گونه‌ای از تعامل با دولت در نظام جمهوری اسلامی را تعریف و عمل کند. در شیوه تعامل با دولت و چگونگی بازنمایی آن در ذهن مردم، ملاحظات زیر می‌تواند مدنظر قرار گیرد:

- حضور میدانی امدادگر، نقطه قوتی است که می‌تواند تأثیرها و پیامدهای قوانین و مقررات و ساختارهای رسمی دولتی را از نزدیک لمس کرده و به مثابه «چشم و آینه» به دولت گزارش کند. ارائه گزارش‌های صحیح میدانی و پیشنهاد برای اصلاح قوانین و ساختارهای معیوب از جمله وظایفی است که امدادگر فرهنگی در این بخش می‌تواند انجام دهد. امدادگر فرهنگی در واقع یک «ناصر و خیرخواه اجتماعی»<sup>۱</sup> - و نه یک «عیب‌جو» - است که در این ساحت به دولت کمک می‌کند تا به اصلاح خود پردازد.

۱. انبیا فرمودند ما جزو ناصحان هستیم و حضرت هم فرمود که ما ناصحیم، نصیحت خالصانه داریم. نصیحت به معنای سفارش نیست، سخنرانی نیست، مقاله‌نویسی نیست، موعظه نیست؛ نصیحت یک خیاطی است. به خیاط می‌گویند ناصح. آن سوزن خیاطی را می‌گویند منصح. آن نخ خیاطی را می‌گویند ناصح. اگر کسی بتواند جامعه تقوا بدوزد و بر پیکر جامعه بپوشاند او می‌شود ناصح. ائمه فرمودند ما این کار را می‌کنیم. حالا اگر کسی جامعه‌داری بکند لباس جامعه را یا لباس یک مسئولی را بدرد به بهانه نصیحت، اینکه ضد آن است: *إِنِّي لَكُمْ لَمِنَ النَّاصِحِينَ* (اعراف، ۲۱) (جلسه درس اخلاق آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۹۶/۹/۲۳).

- امدادگر فرهنگی شخصیتی «امیدآفرین»<sup>۱</sup> است نه «تخریبگر و یأس‌پراکن». بر این اساس در بازنمایی خدمات حاکمیت و دولت، در درجه اول اخلاق‌مدار است و بر اساس «انصاف» خدمات و تلاش‌ها را روایت می‌کند.<sup>۲</sup> رعایت «انصاف و امیدآفرینی» به معنای چشم‌پوشی از مشکلات و عدم بیان برخی حقایق تلخ نیست. بیان هرگونه حقیقت و مشکلی نیازمند شناخت دقیق از مخاطب و توانمندی اوست. بیان حقایق تلخ و مشکلات موجود در نظام اداری و امدادسانی برای آسیب‌دیده‌ای که نه توان اصلاح این سیستم را دارد و نه در حیطه وظایف اوست، پیامدی جز کاهش امید او به حل مشکل و افزایش درد وی نخواهد داشت و این درواقع سبب سخت‌تر شدن مسیر اصلاح و تعالی فرد خواهد شد؛ چراکه عزم و اراده فرد آسیب‌دیده که زیرینا و لازمه حرکت اوست، دیگر همراهی نمی‌کند.

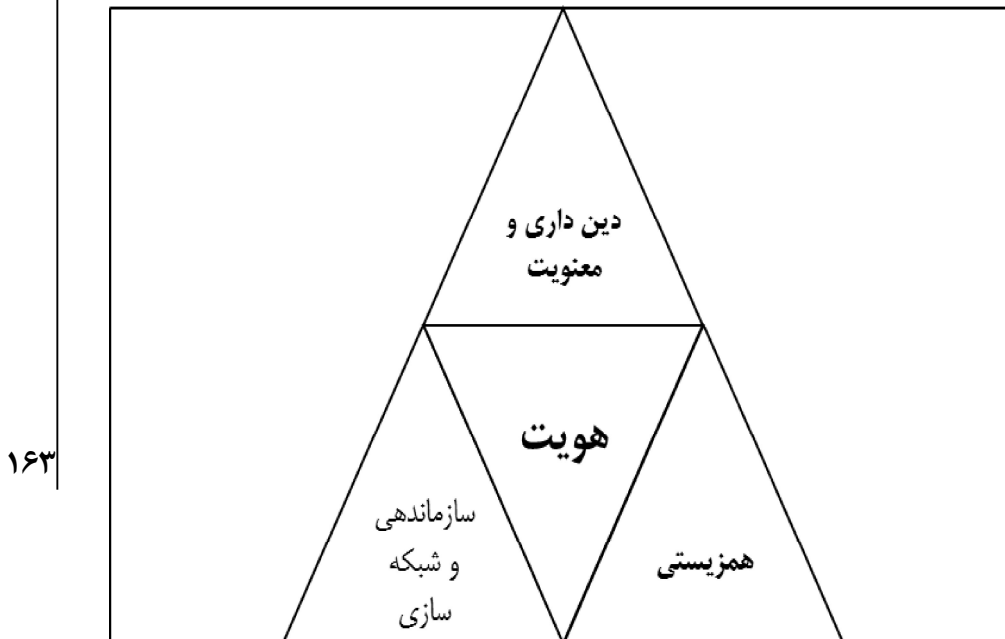
۳. **نهادسازی و شبکه‌سازی:** سومین منظر مواجهه امدادگر فرهنگی با نهادها و ساختارها، استفاده از این ظرفیت به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد برنامه‌ها و فعالیت‌های خود است. امدادگر فرهنگی، یک فرد نیست و در این مسیر، خود را تنها نمی‌داند و به دیگران اعتماد دارد و بر این باور است مسیر اصلاح مشکلات و پیشگیری از وقوع آسیب‌ها از طریق کار شبکه‌ای در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای و جهانی قابل انجام خواهد بود. استمرار و استقرار یک فعالیت، نیازمند نهادسازی (نه به‌معنای سازمان‌سازی) و اشتراک ظرفیت‌های مختلف دولتی و مردمی در کنار یکدیگر ناظر به مسئله مشترک است. وجود روحیه جهادی و داشتن دغدغه و درد حل مسائل و مشکلات مردم و داشتن هویت مشترک (معنویت‌گرا، اخلاق‌مند و امیدآفرین) می‌تواند زیربنای شکل‌گیری شبکه‌ای از امدادگران فرهنگی در سطح دنیای اسلام باشد.

۱. توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۲. انتقاد خوب است، تخریب بد است؛ انتقاد خدمت است، تخریب خیانت است؛ نه خیانت به دولت، بلکه خیانت به نظام و خیانت به کشور است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۵/۲)  
نقد منصفانه و پاسخگویی منصفانه به نقد، به تقویت دستگاه و نظام کمک می‌کند، لیکن این نباید با مناقشات و گفت‌وگوها و بگومگوهای لفظی اشتباه شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴).

## نتیجه‌گیری

بر اساس تعاریف و ابعاد یادشده، چارچوب زیر به‌عنوان چارچوب مفهومی امداد فرهنگی مدنظر خواهد بود.



### - ابعاد امداد فرهنگی

با توجه به بیان ابعاد مفهوم امداد فرهنگی، در اینجا «امدادگر فرهنگی» تعریف می‌شود. امدادگر فرهنگی فرد، گروه یا نهادی است که می‌کوشد مبتنی بر هویت فرهنگی خود و دانش فرهنگی محیط، از وقوع و یا تشدید آسیب فرهنگی و اجتماعی جلوگیری کرده و ضمن تقویت همزیستی اجتماعی و شبکه‌سازی با دیگر ظرفیت‌ها، مسیر رشد و ارتقای دینی فرد و جامعه را فراهم سازد. تفصیل این تعریف در ادامه بیان شده است.

- فرد، گروه، نهاد: امدادگر فرهنگی می‌تواند در سه ساحت تعریف شود. گاهی اوقات یک فرد با کنش خود می‌کوشد مشکلی از یک خانواده یا فرد آسیب‌دیده برطرف کند. گاهی اوقات به دلیل پیچیده بودن آسیب، گروهی از متخصصان با همکاری یکدیگر به حل آسیب کمک می‌کنند و گاهی اوقات ممکن است این فعالیت در سطح یک نهاد یا سازمان انجام شود.

– **هویت فرهنگی:** امدادگر فرهنگی، هویت خود را مبتنی بر سه مؤلفه «معنویت‌گرایی، اخلاق‌مندی و امیدآفرینی» تعریف می‌کند.

– **دانش فرهنگی محیط:** استانداردسازی به معنای یکسان‌سازی امور در همه مناطق و افراد، هم سبب از بین رفتن تنوع فرهنگی و ظرفیت‌های بومی خواهد شد و هم به تشدید آسیب‌ها در یک منطقه کمک خواهد کرد. بر این اساس امدادگر فرهنگی، استفاده از ظرفیت‌های فرهنگ بومی و دانش فرهنگی محیط را به‌عنوان یک اصل و پایه در اقدامات خود مدنظر دارد.

– **وقوع یا تشدید:** هزینه‌های (مادی و غیرمادی) پیشگیری از وقوع آسیب به‌مراتب از هزینه‌های مواجهه برای کنترل و درمان آسیب کمتر است. از این رو رویکرد اصلی در فعالیت امدادگر فرهنگی جلوگیری از وقوع یک آسیب و یا پیشگیری از تشدید آن است.

– **آسیب فرهنگی اجتماعی:** بی‌شک از یک‌سو، آسیب‌های موجود با یکدیگر مرتبط بوده و امکان جداکردن آنها از یکدیگر در عالم واقع، امری بسیار سخت و شاید ناممکن باشد و از سوی دیگر، این ملاحظه نیز وجود دارد که امکان اصلاح همه آسیب‌ها با یکدیگر نیز وجود ندارد. راهکار صحیح برای تدبیر این پارادوکس، اولویت‌بندی آسیب‌هاست. به‌عبارت‌دیگر با ملاحظه محدودیت منابع انسانی و امکاناتی از قبیل بودجه و... می‌بایست متناسب با تأثیر آسیب‌ها بر یکدیگر و میزان توانایی امدادگر، نوع اقدامات امدادگر اولویت‌بندی شود. از آنجاکه توان یک امدادگر فرهنگی در حوزه دانش دینی، فرهنگی و اجتماعی بیشتر است و از سوی دیگر، بر این باوریم که هر مشکل و آسیب زاییده یک بینش و یا باور نادرست است، تمرکز و اولویت امدادگر فرهنگی بر آسیب‌های مربوط به حوزه فرهنگی و اجتماعی است.

– **هم‌زیستی اجتماعی:** زندگی مسالمت‌آمیز انسان‌ها در کنار یکدیگر در درون یک محیط اجتماعی از جمله اهداف اصلی یک امدادگر فرهنگی است؛ چراکه امدادگر فرهنگی اولاً در پی آن است که مشکلات و مسائل را با استفاده از ظرفیت درونی محیط حل کند و ثانیاً به دنبال استمرار زندگی و زیست انسان‌ها در درون همان بوم و زیست است.

– **رشد و ارتقای دینی:** یکی از وجوه تمایز فعالیت امدادگر فرهنگی با برخی فعالان اجتماعی در هدف غایی اوست. هدف غایی امدادگر فرهنگی، صرفاً حل مشکل فرد و یا خانواده و بازگشت به زندگی طبیعی نیست؛ اگرچه این هدف نیز بسیار اهمیت دارد اما

امدادگر فرهنگی به دنبال آن است که از طریق این ارتباط و کمک به فرد آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، مسیری برای حفظ و ارتقای اعتقادات و باورهای دینی در فرد ایجاد کرده تا مسیر رشد و ارتقای او در زندگی فردی و اجتماعی و حیات‌بخشی او فراهم شود.

– فرد و جامعه: قلمرو فعالیت امدادگر فرهنگی، محدود به یک شخص یا فرد نیست. امدادگر فرهنگی می‌تواند مخاطب خود را یک فرد تعریف کرده و برای اصلاح و ارتقای او فعالیت کند، از وقوع یک آسیب در یک خانواده جلوگیری کرده و با نوع فعالیت خود از وقوع و یا تشدید آسیب در جوامع بزرگ‌تر مانند سازمان، شهر و... جلوگیری کند. به‌طور طبیعی هر قدر قلمرو فعالیت گسترده‌تر و بزرگ‌تر شود نوع کنشگری و اقدام امدادگر فرهنگی نیز تغییر خواهد کرد.

## فهرست منابع

۱. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
۲. اسلامی، محمدتقی (۱۳۹۸). *نشست علمی هنجارشناسی اخلاقی کرامت در مددکاری اجتماعی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران: جامعه‌شناسان.
۴. ایزدی، رجب و مرتضی حیدرپور اینانلو (۱۳۹۴). «بررسی پیامدهای برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی دوره پهلوی اول و دوم و نقش آن در شکل‌گیری انقلاب اسلامی»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال پنجم، پاییز و زمستان، ص ۱-۲۷.
۵. توتلوتریز، آلن (۱۳۹۱). *مددکاری اجتماعی: کار در جامعه*، ترجمه فریده همتی، تهران: سمت.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *حوزه و روحانیت*. قم: اسراء.
۷. خاکساری، محمدحسن (۱۳۷۲). *مبانی مددکاری اجتماعی*، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). *بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی*، ۱۷ مهر ۹۸، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۹. دیده‌خانی، نرگس (۱۳۹۷). *الگوی تبلیغی امام موسی صدر در تعامل با شیعیان لبنان* (پایان‌نامه تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی)، تهران: دانشگاه سوره.
۱۰. دیکنز، جاتان (۱۳۹۴). *درآمدی بر مددکاری اجتماعی و سیاست اجتماعی*، ترجمه لیلا استادهاشمی و ملیحه خلوتی و سارا نوروزی، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۱۱. رایبینگن، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۹۵). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۵). *مبانی مددکاری اجتماعی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). *آسیب‌های اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۴. سام‌آرام، عزت‌الله (۱۳۹۱). *بررسی کاربرد نظریه‌های مددکاری اجتماعی و بومی‌سازی آنها*، تهران: ویژه‌نامه اولین همایش علمی رفاه اجتماعی ایران، ص ۱-۴۰.
۱۵. سام‌آرام، عزت‌الله، سیداحمد حسینی حاجی‌بکنده و حسن موسوی‌چلک (۱۳۹۶). «سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی در قوانین برنامه توسعه کشور»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال نهم، شماره ۱، بهار، ص ۱۰۵-۱۲۶.



۱۶. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کج‌روی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.
۱۹. قندی، محسن (۱۳۷۹). دیپاچه‌ای بر مددکاری اجتماعی، تهران: عطایی.
۲۰. کاظمینی، میرزامحمد (۱۳۹۲). تندیس پارسایی، یزد: صحیفه خرد.
۲۱. کامبتون، بیولارابرتز و بارت گلاوی (۱۳۸۸). فرایندهای مددکاری اجتماعی، ترجمه سیدجلال صدرالسادات و فرهاد کریمی، تهران: سمت.
۲۲. گلیکن، مورلی (۱۳۹۰). مددکاری اجتماعی در قرن ۲۱ (رفاه اجتماعی، مسائل اجتماعی و حرفه مددکاری اجتماعی)، ترجمه عباسعلی یزدانی و الهام محمدی، تهران: جامعه‌شناسان.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص، ناصر موفقیان، تهران: نی.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: صدرا.
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: صدرا.
۲۶. ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۲۸. موسوی چلک، حسن (۱۳۹۵). مددکاری اجتماعی (کار با فرد)، تهران: سمت.
۲۹. والش، جوزف (۱۳۹۳). نظریه‌های مددکاری اجتماعی در عمل، ترجمه فریده همتمی، تهران: سمت.

